

بررسی تهدیدات نظامی آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران در دهه آینده

صادق احمدی^۱

جواد منزوی بزرگی^۲

محسن مرادیان^۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۶/۱۵

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۱۰/۱۵

چکیده

پیروزی انقلاب اسلامی و الهام بخشی آن به حرکت‌های ضد استعماری و استکباری دنیا، دشمنان این نظام و در رأس آنها را به فکر مقابله انداخته و همواره طرح تهدید نظامی، یکی از انواع گزینه‌های مداخله جویانه آن‌ها علیه نظام جمهوری اسلامی ایران بوده و می‌باشد. مقاله حاضر معطوف به تبیین گزینه نظامی آمریکا علیه انقلاب اسلامی ایران در دهه آینده می‌باشد. در مقاله حاضر از الگوی علت و معلولی (ایشیکاوا)، تحلیلی، تفسیری و توصیفی - پیمایشی استفاده شده است که در راستای بهره‌گیری از روش توصیفی - پیمایشی، ۳۰ نفر از خبرگان نیروهای مسلح به‌عنوان نمونه انتخاب شده است. برون‌یافت پژوهش منتج به این نتیجه کلی شده است که آمریکا به‌دلایل متعدد، درگیر مشکلات داخلی و ترمیم چهره دموکراسی خود در جهان و تلاش برای برون‌رفت از باتلاق برخی کشورهای غرب آسیا از جمله سوریه و عراق بوده و از این‌رو احتمال درگیری و جنگ تمام‌عیار علیه جمهوری اسلامی طی دهه آینده غیرمحمتمل به‌نظر می‌رسد. لذا برای دستیابی به اهداف موردنظر خود از سایر روش‌های نظامی از جمله جنگ نیابتی بهره خواهد برد. در نتایج تحقیق از بین ۲۰ راه‌کار ترسیم شده ۱۲ راه‌کار انتخاب شد که بهترین راه‌کار، اتحاد، انسجام و یکپارچگی آحاد ملت می‌باشد.

کلید واژگان: تهدید نظامی، جمهوری اسلامی ایران، آمریکا، جنگ‌های نیابتی

^۱ دانشجوی دکتری مطالعات امنیت ملی دانشگاه عالی دفاع ملی

^۲ دانشجوی دکتری مطالعات امنیت ملی دانشگاه عالی دفاع ملی

^۳ استادیار دانشگاه عالی دفاع ملی

مقدمه

در اینکه صحنه نبرد جهانی در سال‌های آتی چگونه خواهد بود و راهبردهای نظامی و رهنامه صحنه نبرد بر چه مبنایی تدوین خواهد شد، هیچ‌کس نمی‌تواند با قطعیت سخن بگوید. با توجه به گزاره‌های ملموس و عینی و تجربیات گذشته و در نظر گرفتن فرضیات نزدیک، احتمال و بیان پیش‌بینی برای آینده مبهم و مملو از عدم قطعیت می‌تواند بخشی از این ابهام را مرتفع سازد. قرن ۲۱ برای ایالات متحده که ادعای هژمونی جهان را دارد، چالش‌های قابل تأملی را در پی خواهد داشت و قطعاً راهبردهای دوران جنگ سرد منسوخ و راهبردهای جدید تحت تأثیر پایش و دیده‌بانی محیط پیرامونی به‌ویژه غرب آسیا و کانون اصلی آن یعنی ج.ا.ایران، تغییراتی به‌خود خواهد دید. ایالات متحده پس از پایان جنگ سرد، طی چندین مرحله بازنگری اساسی نیازمندی‌های نظامی حال و آینده‌اش را آغاز کرده است. از سوی دیگر ج.ا.ایران به‌عنوان قدرت بلامنازع غرب آسیا، روز به روز بر توانمندی‌ها و حوزه نفوذ خود در منطقه و جهان می‌افزاید.

دستیابی به رتبه‌های برتر علمی طی سال‌های اخیر، پیشرفت‌های قابل‌ملاحظه نظامی به‌ویژه در عرصه موشکی و اخذ جایگاه و موقعیت مناسب هسته‌ای در بین کشورهای باشگاه هسته‌ای جهان، فرصت‌های مناسبی را رقم زده که بازتاب آن در دنیا و ملت‌های منطقه اثرات امیدوارکننده برای نظام ج.ا.ا و اثرات ناامیدکننده برای آمریکایی‌ها در پی داشته است. پرواضح است تاووم این روند، سبب تضعیف جایگاه آمریکایی‌ها در منطقه غرب آسیا و کشورهای اسلامی در جهان شده و پیروزی در این دوئل دو جانبه، رویکرد جدی آنها در منطقه را به‌دنبال خواهد داشت.

این مقاله تلاش کرده است با استناد به‌نظر خبرگان و اسناد منتشر شده ارتش آمریکا، مؤسسه‌رند، کاخ سفید، مقالات و نشریات منتشر شده توسط سازمان‌های کشورهای دیگر و سازمان ناتو در رابطه با جنگ‌های آینده و همچنین بررسی نظرات خبرگان نظامی، ضمن تعریف انواع جنگ و تهدید، راهبردهای نظامی آمریکا علیه جمهوری اسلامی طی دهه آینده و راه‌کارهای مقابله با آن را تبیین نماید. تحقیق موردنظر عاری از ایراد نبوده و کمبود جدی منابع در سیاستگذاری‌های جدید آمریکا در جهان به‌ویژه در ایران در فضای رسانه‌ای امکان تحلیل قطعی را امکان‌پذیر نمی‌سازد؛ از این رو پیشنهاد می‌گردد محققان بعدی با استناد به اسناد جدیدتر؛ به‌ویژه سند راهبردی امنیت ملی در دوره ترامپ که در اواخر سال ۲۰۱۷ منتشر می‌گردد، راهبردهای تحلیلی را تقویت نمایند.

بیان مسأله

با پیروزی انقلاب اسلامی ایران، موازنه قوا در دنیا که درید جبهه‌های شرق و غرب بود، به هم خورد و نظامی برخواسته از جهان‌بینی توحیدی در برابر سوسیالیسم شرق و لیبرالیسم غرب قد برافراشت. دنیای غرب به سرکردگی آمریکا از شروع انقلاب اسلامی طرح‌های مداخله جویانه خود را علیه نظام جمهوری اسلامی آغاز نمود. پرونده دولت آمریکا در روابط با کشور و ملت ایران مملو از صفحات سیاه و تاریک است. طرح‌ها و اقداماتی همچون کودتای ۲۸ مرداد، حمایت از شاه در برابر حرکت‌های انقلابی ملت، کودتای پایگاه هوایی شهید نوژه، هدف قراردادن هواپیمای مسافربری در سال ۱۳۶۷، حمایت از صدام در حمله به جمهوری اسلامی و پشتیبانی نظامی و سیاسی آن در طول هشت سال جنگ و نقش پررنگ سیاسی - امنیتی در فتنه سال ۸۸ تنها بخشی از صفحات این کارنامه سیاه و ننگین است. این در حالی است که همچنان به صورت آشکار عبارت «همه گزینه‌ها از جمله گزینه نظامی همچنان روی میز است»^۱ از سوی مسئولان تراز اول آمریکا مطرح و اقدامات پنهانی در حمایت از گروه‌های تروریستی، خرابکاری و براندازی علیه جمهوری اسلامی تداوم دارد.

با توجه به مطالب بیان شده این سؤال مطرح می‌گردد که عمده‌ترین تهدید نظامی آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران طی دهه آینده چیست و راه کارهای مقابله با آن کدام است؟

اهمیت و ضرورت تحقیق

انقلاب اسلامی حادثه بزرگ قرن بیستم بود که علاوه بر تحول بنیادین و فراگیر در ایران، بازتاب و دستاوردهای جهانی فراوانی داشت و با احیای تفکر دینی به‌ویژه در صحنه سیاست و جامعه و اداره زندگی بشری، بسیاری از تئوری‌ها و اصولی را که قطعی و خدشه ناپذیر معرفی شده بودند، مورد چالش قرار داد. این انقلاب مبدأ تحولات عظیمی در صحنه سیاست، فرهنگ و اجتماع گردید و الهام بخش بسیاری از حرکت‌های ضد استعماری و نهضت‌های استکبارستیز قرار گرفت و با گذشت نزدیک به چهار دهه همچنان بزرگ‌ترین دشمن و مانع قدرتهای تمامیت طلب و

استعمارگر است. روشن است که دشمنان و آنان که منافع خود را در نتیجه این تحول عظیم و انقلاب دینی در مخاطره می‌دیدند، نتوانند آن را تحمل کرده با تمام توان و به‌کارگیری همه امکانات خود بکوشند این حرکت را متوقف و یا تحت‌کنترل و مدیریت کلی خود درآورند؛ به‌همین منظور مستکبرین و در رأس آنها آمریکا می‌کوشند با تمام توان از حرکت این انقلاب و تأثیر آن در منطقه و جهان جلوگیری نمایند. مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) در فروردین ۱۳۸۶ تأکید فرمودند که: «یک ملت باید دشمن را بشناسد، نقشه دشمن را بداند و خود را در مقابل آن مجهز کند. اول دشمن را باید شناخت، بعد باید نقشه او را دانست. باید سیاست او را بشناسیم»^۱؛ بنابر این با کشف راهبردهای نظامی آمریکا علیه جمهوری اسلامی در طی دهه آینده، ارائه راه‌کارهای مقابله‌ای در برابر تهدیدات متصور خواهد بود. هماهنگی همه شئون نظامی و امنیتی کشور در جهت مقابله با تهدیدات نظامی احتمالی آمریکا در طی دهه آینده محقق خواهد شد و در نهایت آمادگی مقابله و دفاع در برابر هرگونه تهاجم احتمالی آمریکا یا کشورهای تحت‌الحمايه آن علیه ج.ا.ا. به‌دست خواهد آمد.

در صورت عدم آمادگی لازم برای مقابله با تهدیدات نظامی آمریکا، احتمال بحران‌هایی از این دست وجود دارد؛ راهبردهای مقابله‌ای متناسب با تهدید نظامی آمریکا در دهه آینده که مبتنی بر اشتراک مساعی بخش‌های امنیتی و نظامی باشد، تدوین نخواهد شد، در محافل سیاسی و نظامی ج.ا.ا. و همچنین قاطبه ملت، در خصوص اهداف و برنامه‌های نظامی آمریکا علیه کشورمان آگاهی و شناخت کافی به‌وجود نخواهد آمد، آگاهی‌بخشی به عموم مردم و سازمان‌های غیردولتی و... در خصوص نفس واقعی تهدیدات نظامی آمریکا در دهه آینده، جهت اتخاذ هرگونه موضع‌گیری‌های صحیح ترسیم نخواهد شد. بر این اساس، پیش‌بینی، شناخت و آگاهی از شکل و ماهیت تهدیدات نظامی آمریکا در دهه آینده و مؤلفه‌های حاکم بر آن می‌تواند در اتخاذ راه‌کارهای دفاعی و پیشگیری برای مسئولان و قاطبه ملت مفید باشد.

^۱ بیانات در اولین روز سال ۱۳۸۶ در مشهد مقدس.

پیشینه تحقیق

با بررسی‌های انجام شده تحقیقی در موضوع مقاله در جامعه علمی کشور یافت نشد؛ اما برخی از مقالات منتشره، تحقیقات و مطالعات گروهی از دانشجویان دانشگاه عالی دفاعی ملی و نظرات خبرگان نظامی که در مصاحبه‌های متعدد بیان گردیده، اشاراتی به موضوع تهدید نظامی آمریکا علیه ایران داشته که عمدتاً خلق‌الساعه بوده و مبتنی بر رویکرد و روند پیش‌بینی آینده نبوده است. مقاله علمی - پژوهشی با موضوع «ویژگی جنگ‌های آینده و تغییر راهبرد نظامی آمریکا در قرن ۲۱»، نوشته حسام افشار یکی از این تحقیقات می‌باشد. ایشان با طرح این سؤال که راهبرد نظامی ایالات متحده آمریکا برای قرن ۲۱ چه می‌باشد؟ به این نتیجه کلی می‌رسد که آمریکا به سمت رویکرد برنامه‌ریزی توانمندی - محور که محرک آن مفاهیم عملیاتی هستند، حرکت می‌کند. تمرکز این رویکرد بیش از آنکه متوجه نام دشمنان و مکان درگیری با نیروهای مشترک یا حمله به منافع آمریکا باشد؛ بر چگونگی شکست دادن طیف گسترده‌ای از قابلیت‌ها و توانمندی‌های مورد استفاده هر دشمن و همچنین تعیین توانمندی‌های لازم و مورد نیاز جهت مقابله با هرگونه درگیری یا بحران استوار است (افشار، ۱۳۸۹: ۵۴).

رساله مطالعه گروهی دانشجویان دانشگاه عالی دفاع ملی با عنوان «محیط‌بندی نظامی کشور با توجه به تهدید نظامی آمریکا و رویکرد دفاعی کشور» با طرح این سؤال که منطقه‌بندی نظامی مناسب کشور با نگاهی به تهدید نظامی آمریکا و رویکرد دفاعی کشور کدام است؟ به ۲۲ عامل اثرگذار دست یافته و کشور را به ۱۲ منطقه نظامی تقسیم‌بندی نموده است. در این تحقیق سپس تأثیر هر کدام در منطقه‌بندی نظامی مورد سنجش قرار گرفت که در بین ۲۲ مورد، عامل «طیف تهدیدات نظامی احتمالی متصور از سوی دشمنان خارجی (منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای) علیه کشور با لحاظ نمودن مبدء، مقصد، مسیر و محورهای نفوذی احتمالی تهدید از سمت مرز به داخل کشور» بالاترین درصد را به خود اختصاص داده است. در این تحقیق براساس همین عوامل، نهایتاً نقشه نهایی منطقه‌بندی نظامی کشور ارائه گردید (گروه مطالعاتی دوره پانزدهم دفاع ملی، ۱۳۸۶). در بین خبرگان نظامی، سردار سرلشکر سیدیحیی صفوی، دستیار و مشاور عالی فرماندهی معظم کل قوا و رئیس انجمن ژئوپلیتیک معتقد است که در حال حاضر تهدیدات از حوزه نظامی به سایر حوزه‌ها پوست اندازی کرده است و تهدیدات در دنیای امروز با شکلی جدید و قالبی متفاوت در حال شکل

گیری است که از حوزه نظامی به حوزه‌های اقتصادی، سایبری، فرهنگی و تهدیدات جنگ نرم در حال چرخش است (www.farsnews.com).

هدف تحقیق

هدف این تحقیق شناسایی ماهیت، نوع و اولویت تهدیدات نظامی آمریکا علیه ج.ا.ایران و راه‌کارهای مقابله با آن در دهه آینده می‌باشد.

سؤال تحقیق

ماهیت، نوع و اولویت تهدید نظامی آمریکا علیه ج.ا.ایران در دهه آینده چیست؟ و چه راه‌کارهای مقابله‌ای برای آن وجود دارد؟

روش تحقیق

این تحقیق از نوع کاربردی است و از روش‌های تحلیلی-تفسیری، روش علت - معلولی (ایشیکاوا) و توصیفی-پیمایشی، برای احصا راه‌کارها و تهدیدات و رتبه‌بندی اولویت تهدیدات و راه‌کارها استفاده گردیده است. لازم به ذکر است برای بهره‌گیری از روش ایشیکاوا از نظریات خبرگان امنیتی و نظامی نیروهای مسلح استفاده گردیده و تهدیدات و راه‌کارهای احصا شده و با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی ساده از یک جامعه خبره ۳۰ نفری، نمونه‌ای به تعداد ۲۷ نفر انتخاب و پرسشنامه طراحی شده برای اولویت‌بندی راه‌کارها و تهدیدات در بین اعضای نمونه پخش گردید. در نهایت با توجه به نظرات به‌دست آمده و اسناد موجود به سؤالات مطرح پاسخ داده شده است. اعتبار این پرسشنامه براساس روش داوری اجتماع علمی مورد بررسی قرار گرفته است که براین اساس توسط چند خبره بررسی و نهایتاً مورد تأیید قرار گرفته است. برای پایایی پرسشنامه از روش آلفای کرونباخ استفاده شده است. ضریب آلفای کرونباخ ۰.۹۳۳ بوده و کسب این نمره بیانگر اعتبار بسیار بالای سؤالات پرسشنامه بوده و این نتیجه به معنای قابلیت اعتماد ابزار سنجش فوق است.

مروری بر مبانی نظری و ادبیات تحقیق

الف) تهدید^۱ و تهدید نظامی

برای تهدید تعاریف و انواع متعددی ذکر کرده‌اند. تهدید عبارت از وضع و حالتی است که در آن مجموعه‌ای از ادراکات و تصورات نسبت به پدیده‌ها و رابطه آنها با بقای کمیت یا کیفیت ارزش‌های اساسی و مورد احترام بر وجود خطری جدی یا امکان یا نابودی آنها دلالت می‌کنند (ره پیک، ۱۳۸۷: ۱۰۴). تهدید مفهومی انتزاعی است که درهم تنیدگی عمیقی با مفهوم امنیت دارد (مرادیان، ۱۳۸۸: ۱۶۷) بحث از امنیت و امنیت ملی همراه با موضوع تهدید است و نمی‌توان از تهدید صحبت به‌میان آورد ولی امنیت ملی و تأثیر آن را نادیده گرفت (گروه مطالعاتی دانشکده امنیت ملی، ۱۳۸۸: ۱۵).

تعریف مکتب کپنهاک از تهدید براساس ساختار اجتماعی تهدید اهداف مرجع است (عبدالله خانی، ۱۳۸۹: ۱۳۶). از نظر مکتب کپنهاک تهدیدات به دو دسته کلی قابل تقسیم است: اول تهدیدات موقت و سپس تهدیدات نهادینه شده. بر این اساس اگر یک تهدید همواره و به‌صورت مستمر وجود داشته باشد و به‌دنبال آن نوعی حس ضرورت در خصوص آن نهادینه شود، با تهدیدات نهادینه شده مواجه هستیم. از سوی دیگر چنانچه یک پدیده تبدیل به تهدید شود، اما دارای ریشه در گذشته نباشد و یا تکرار پذیری متوالی در یک پروسه زمانی نسبتاً طولانی نداشته باشد چنین تهدیدی بیشتر موقتی است (Buzan and et. al, 1998:34).

نظریه سازه‌انگاران با اعتقاد به این که هستی سیاسی و اجتماعی یک آگاهی بینادهنی است، ماهیت اجتماعی تهدید را مقدم بر ماهیت طبیعی تهدید می‌دانند. بنابراین همواره تهدیدات در عینی‌ترین حالت‌ها نیز تابعی از ماهیت اجتماعی تهدید است (Alder, 1997:47) و در نظریه توازن تهدید که توسط «استفن ام. والت» مطرح گردید، چهار معیار را برای ارزیابی تهدید ناشی از دیگر کشورها مشخص می‌کند. آن‌ها عبارت‌اند از: «قدرت» (اندازه، جمعیت، ثروت، قدرت اقتصادی، توان نظامی)، «مجاورت یا نزدیکی جغرافیایی»، «توانایی‌های تهاجمی» و «مقاصد یا نیات تهاجمی» (ایکنبری، ۱۳۸۲: ۷۳). نهایتاً اینکه برای تهدید انواعی را برشمردند که از آن جمله می‌توان به تهدیدهای سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، نظامی، اقتصادی، زیست محیطی اشاره کرد.

بعد نظامی دارای اهمیت محوری در تحلیل تهدیدات جهانی بوده و در حال حاضر نیز تقسیم اولیه تهدیدات به دو گروه نظامی و غیرنظامی به‌عنوان مهم‌ترین گونه شناسی تهدیدات محسوب می‌گردد. تهدیدات نظامی از آشکارترین انواع تهدیدات به‌شمار می‌آیند که دارای پیشینه تاریخی طولانی در تاریخ تحولات جوامع بشری هستند. ویژگی برجسته این دسته از تهدیدات در استفاده از زور است که در ذیل عنوان تخصصی منازعه و جنگ از آن یاد می‌شود. بر این اساس تهدید نظامی به استفاده از زور برای دستیابی به اهداف بازیگر در عرصه سیاست عملی دلالت دارد و در گفتمان سنتی از امنیت دارای کاربرد بسیاری است (افتخاری، ۱۳۸۵: ۱۶۷).

آنچه به‌عنوان خطر واقعی و ملموس برای بقای کشور محسوب می‌شود، تجاوز فیزیکی و نظامی است؛ زیرا اقدام نظامی اغلب تمامی عوامل تشکیل دهنده کشور را مورد تهدید قرار می‌دهد. تهدید نظامی برخلاف تهدیدات سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و زیست محیطی چهره عریان و خشن‌تری دارد و در صورت اقدام نتایج و پیامدهای آشکاری به‌بار می‌آورد. تهدیدات نظامی براساس مینا، هدف، شکل، علت، روش و میزان اثرگذاری تهدید، قابل تفکیک و طبقه‌بندی هستند. مخاطبان تهدیدات نظامی تنها کشورهای متخاصم نیستند بلکه کشورهای بی‌طرف و دوست را هم شامل می‌شود (محمودنژاد، ۱۳۹۰: ۱۲۳). اقدام قدرت‌ها در صحنه بین‌المللی ترکیبی از تلاش برای تضعیف و نابودی دشمنان، تهدید کشورهای بی‌تفاوت و جلوگیری از برتری جویی دوستان است و راهبردها و اقدامات کشورها در دراز مدت به این امر معطوف است. به‌عبارت دیگر ممکن است که تهدید نظامی که منجر به اقدام شود صرفاً به کشورهای متخاصم محدود شود؛ اما تهدیدات نظامی بازدارنده برای هر سه گروه از کشورهای فوق قابل اجرا است. تهدید نظامی بازدارنده با نوع، ماهیت و سطح روابط دو کشور ارتباط مستقیم دارد. هر اندازه تعارض و تضاد بین منافع دو کشور شدیدتر باشد تهدید نظامی بازدارنده، کارآیی خویش را از دست داده و به‌تهدید نظامی عملیاتی نزدیک‌تر شده و در نهایت به‌راهبرد اقدام منجر می‌شود (مطالعات گروهی دانشجویان دانشگاه دفاع ملی، ۱۳۹۰: ۱۱۶).

ب) جنگ^۱ و انواع آن

واژه جنگ نیز از جمله مفاهیمی است که دارای تعریف واحد نبوده و هر فرد و اندیشه‌ای جنگ را به‌گونه‌ای تعریف می‌کند که با تعریف دیگری ناسازگار است؛ لذا تعدد در تعریف آن، تنوع در طبقه‌بندی و انواع جنگ را نیز به‌دنبال دارد. کلاوزویتس در تعریف جنگ می‌گوید: جنگ اعمال زور برای وادار کردن دشمن به تن دادن به خواسته ما است که از برخی اهداف سیاسی ریشه می‌گیرد. هیچ‌کس جنگی را آغاز نمی‌کند؛ بلکه هیچ‌کس در تصورات خود نباید چنین اقدامی را انجام دهد بدون اینکه نخست در ذهن خود روشن کند که هدفش از جنگ چیست و او چگونه می‌خواهد جنگ را هدایت کند (گوردان، ۱۳۷۳: ۵۹). کلاوزویتس اصل اساسی جنگ را حفظ نیروهای خودی و نابودی نیروهای دشمن، هدف جنگ را خلع سلاح یا سرنگون ساختن دشمن و عام‌ترین اصل پیروزی در جنگ را برتری تعداد افراد نیروهای مسلح دانسته است (آقابخشی، ۱۳۷۴: ۲۱۵). جنگ انواع مختلفی دارد که از مهم‌ترین آن جنگ‌های سخت - نیمه سخت و نرم، جنگ اقتصادی، نظامی، روانی، داخلی و خارجی، منظم و نامنظم را می‌توان نام برد. براساس موضوع مقاله، به تعریف برخی از این جنگ‌ها اشاره می‌گردد.

۱. جنگ نظامی^۲: نبرد یا رزمی که مستلزم درگیری در سطح بین‌الملل یا بین دو ملت و به‌همراه عملیات مسلحانه و روانی را شامل می‌شود.
۲. جنگ تمام عیار^۳: جنگی که در آن از کلیه منابع، امکانات و تجهیزات به‌طور کامل استفاده می‌شود و هدف آن نابودی کامل یا تسلیم بلاشروط دشمن است.
۳. جنگ داخلی^۴: جنگی که بین مناطق جغرافیایی، گروه‌های سیاسی و جناح‌های عقیدتی مختلف در داخل یک کشور در می‌گیرد.
۴. جنگ متعارف^۵: استفاده از تسلیحات متعارف در یک جنگ منظم آفندی یا پدافندی و یا جنگی که در آن از سلاح هسته‌ای، شیمیایی و میکروبی استفاده نشود.

¹ War

² Military War

³ Total War

⁴ Civil War

⁵ Conventional War

۵. جنگ محدود^۱: جنگ مسلحانه که با اهدافی کوچک‌تر از نابودی کامل دشمن و تسلیم بی‌قید و شرط در می‌گیرد. جنگ محدود ممکن است با توجه به میزان نیروهای ویرانگر مورد استفاده، تعداد شرکت‌کننده‌ها در جنگ، منطقه درگیری، یا به خاطر پیدا کردن راه حل‌های سیاسی به جای راهبردهای نظامی محدود شود و ممکن است که هریک از این عوامل یا مجموع آنها در ایجاد این محدودیت مؤثر باشند (نوروزی، ۱۳۸۵: ۲۹۹-۲۸۶).

۶. جنگ نیابتی^۲: جنگی که در آن هریک از طرفین مخاصمه به نیابت از طرف یک قدرت بزرگ عمل می‌کنند و یا استفاده از نیروهای نظامی یک کشور تحت‌الحمايه در میدان‌های نبرد به جای نیروهای خودی را گویند (همان: ۳۰۲).

ج) رویکردهای هژمونیک در آمریکا

راهبردهای امنیت ملی کشورها منبعث از ارزش‌ها، باورها و ایده‌های حاکمیت و همچنین باورهایی است که از مکتب فکری آنها شکل گرفته است. یک مکتب فکری راهبردها و دکترین‌های امنیت ملی را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد. با این وجود سنت رئالیستی از قدیمی‌ترین نظریه‌های امنیت در آمریکا است که همواره سلطه خود را بر تفکر، راهبرد و برنامه‌های امنیت ملی آمریکا خصوصاً در دوران جنگ سرد حفظ کرده است. پس از پایان جنگ سرد، برای یک دهه گرایش‌های لیبرالیستی در مسائل امنیت ملی رو به تقویت نهاد اما ۱۱ سپتامبر تأثیر خود را برجای گذاشت و راهبر امنیت ملی آمریکا تقریباً با آنچه در دوران کلینتون و ریگان و بوش پدر طراحی شده بود، متفاوت گردید (عبداله خانی، ۱۳۸۵: ۱۵). به نظر می‌رسد رویکردهای امنیتی حاکم بر سند امنیت ملی آمریکا که جدیدترین آن سند ۲۰۱۵ می‌باشد، منبعث از هر دو تفکر لیبرالیستی و رئالیستی حاکم بر آمریکا باشد. البته سند راهبردی امنیت ملی آمریکا در دوران ریاست جمهوری ترامپ، مقرر است که در اواخر سال ۲۰۱۷ منتشر گردد.

در همه این اسناد، در حالی که از یک‌سو شعار حمایت از مردم و دموکراسی را سر می‌دهند و بر قوانین تجارت و اقتصاد بین‌الملل و دنیا برای همه^۳ تأکید دارند، اما از سوی دیگر دخالت‌های نظامی و

¹ Limited War

² Proxy War

³ The world for everyone

لشکرکشی‌های وسیع را در دنیا به‌ویژه منطقه غرب آسیا به‌بهبان محو تهدید و حفظ منافع جهانی تجربه می‌کنند. سخنان جرج بوش در مقدمه سند امنیت ملی آمریکا (۲۰۰۶) و باراک اوباما (۲۰۱۵) نمادی از تعارضات و تناقضات راهبرد امنیت ملی آمریکا است که به‌نمونه‌ای از آن اشاره می‌شود:

نگاه خیرخواهانه برای دنیا	نگاه تجاوزگرایانه
اکنون آمریکا نیز فرصتی بی سابقه برای بنیاد نهادن پایه‌های صلح آینده در اختیار دارد.	این سند، یک راهبرد امنیت ملی در دوران جنگ است که ضرورت آن ناشی از چالش بزرگی است که اکنون با آن مواجهیم
ما با همه قدرت‌های بزرگ جهان، روابطی پایدار و تعاملی برقرار کرده‌ایم.	ما به‌جای اینکه منتظر بنشینیم تا دشمنان به‌کشور ما برسند در خارج از مرزها با آنها مبارزه می‌کنیم
ما بانی گسترش دموکراسی درخاورمیانه (غرب آسیا) بزرگ شده‌ایم	ما باید ارتشی ایجاد کنیم که نظیرش وجود نداشته باشد

جدول (۱) راهبردهای متناقض آمریکا در سخنان بوش (۲۰۱۰)

نگاه خیرخواهانه برای دنیا	نگاه تجاوزگرایانه
ما در عرصه جهانی متعهد هستیم برنامه «پراگ» را پیش ببریم که دربرگیرنده اقدامات از قبیل متوقف کردن گسترش تسلیحات هسته‌ای و تأمین امنیت مواد هسته‌ای است	در سطح جهانی، ما توانسته‌ایم از جنگ‌های بزرگ زمینی در عراق و افغانستان فراتر برویم که مشخص‌کننده بخش اعظم سیاست خارجی آمریکا در یک دهه گذشته بوده است
سرگرم بررسی این مسئله هستیم که آیا ممکن است به‌راه حلی جامع دست یافت که به‌جامعه بین‌المللی این اطمینان خاطر را بدهد که برنامه هسته‌ای ایران، صلح‌آمیز است	ما ارتشی داریم که قدرت نظامی، فناوری و بعد ژئوراهبردی آن در تاریخ بشریت، بی‌بدیل است و در خارج از کشور، نشان می‌دهیم در مقابله با تهدیدهای مطرح برای منافع اصلی کشورمان ب صورت یکجانبه اقدام خواهیم کرد
ما به‌تعهد دیرپای خود برای پیشبرد دموکراسی و حقوق بشر و ایجاد ائتلاف‌های جدید برای مقابله با فساد و حمایت از دولت‌های باز و جوامع باز، پایبند هستیم.	هر راهبرد موفق برای حصول اطمینان از امنیت مردم آمریکا و پیشبرد منافع امنیت ملی کشور باید با این حقیقت غیرقابل انکار شروع شود که آمریکا باید رهبری کند

جدول (۲) راهبردهای متناقض آمریکا در سخنان اوباما (۲۰۱۵)

مستندات موجود در اسناد منتشره امنیت ملی آمریکا (۲۰۰۶ و ۲۰۱۵) نیز دارای تناقض جدی است. راهبرد امنیت ملی ما با نگاهی آرمان‌گرایانه به اهداف اما نگاهی واقع‌بینانه به ابزارها تدوین شده است. آمریکا اکنون نمی‌تواند با عقب‌نشینی از جهان، به صلح، امنیت و رفاه دست یابد. آمریکا باید با عمل و همچنین نظر، به پیشگامی دست یابد. ما می‌خواهیم با این ذهنیت پیشگام جهان باشیم و این میراثی است که ما آن را برای آیندگان باقی خواهیم گذاشت. (همان) با این نگاه به‌نظر می‌رسد رویکردهای حاکم بر امنیت ملی آمریکا مبتنی بر هژمونی بردنیا (هدف) با روش‌های متفاوت و مردم‌پسندانه (ابزار) باشد.

این رویکرد در سند منتشره ۲۰۱۰ و در تداوم آن در سند ۲۰۱۵ نیز مشهود است. تناقض ذکر شده در ابتدای این بحث حاکی از آن است که آمریکا نسبت به کشورهای مخالف خود نگاه تجاوزگرایانه دارد و نسبت به کشورهای حامی که برای پیش‌برد اهداف استعماری خود در منطقه مفید می‌داند و می‌تواند از آنها به‌عنوان یک ابزار برای تهدید علیه مخالفان خود استفاده نماید نگاه خیرخواهانه دارد که در جدول زیر به این دو نگاه در سند راهبرد امنیت ملی آمریکا اشاره شده است (National Security Strategy, 2006,2010,2015).

نگاه خیرخواهانه برای دنیا	نگاه تجاوزگرایانه
ما در حال کار برای تقویت نرم‌های بین‌المللی به‌منظور حفظ حقوق بشر هستیم و در عین حال از تمام جنبش‌های دموکراتیک صلح‌آمیز حمایت می‌کنیم	ما مواضع بازدارندگی منطقه‌ای خود را تقویت خواهیم کرد - به‌عنوان مثال، از طریق طرح‌های دفاع موشکی مرحله‌ای و تطبیقی - تا از این امر اطمینان حاصل کنیم که دشمنان منطقه‌ای نتوانند با دست یافتن به قابلیت‌های تهاجمی نظامی و نوین به مزیت و برتری در برابر ما دست پیدا کنند.
اصول بنیادی ما از تلاش‌هایمان برای تعامل با ملت‌ها، نهادها و مردم جهان بر اساس منافع مشترک و احترام متقابل حمایت می‌کند.	ما اکنون باید منابع تقویت و نفوذ آمریکایی را بسازیم و یک نظم بین‌المللی را که قادر باشد بر چالش‌های قرن بیست و یکم فائق آید شکل دهیم.
حفاظت از آزادی‌های مدنی و حریم خصوصی مکمل شور دموکراسی ما و برقراری آزادی است.	کشور ما دارای ویژگی‌هایی است که رهبری ما را برای دهه‌ها تضمین کرده است بنابراین راهبرد

	امنیت ملی ما بر تجدید رهبری آمریکا تمرکز می‌کند.
ایالات متحده آمریکا از توسعه دموکراسی و حقوق بشر در خارج از آمریکا به این دلیل حمایت می‌کند که دولت‌هایی که از این ارزش‌ها حمایت می‌کنند عادلانه‌تر، صلح آمیزتر و مشروع‌تر هستند.	ما باید برتری متعارف نظامی خود را حفظ کنیم و درعین حال ظرفیت آن برای غلبه بر تهدیدات غیرمستقران را افزایش دهیم.
ما در حال فعالیت برای کسب حمایت از دموکراسی، حاکمیت قانون و حقوق بشر از طریق همکاری با دیگر دولت‌ها، سازمان‌های غیردولتی و مجمع‌های چندجانبه هستیم.	ما در حال تقویت ارتش خود برای اطمینان از این هستیم که می‌تواند در جنگ‌های امروزی پیروز شود

جدول (۳) راهبردهای متناقض آمریکا در سند راهبرد امنیت ملی 2010/2015

هرچند با روی کار آمدن اوباما در سال ۲۰۰۸ میلادی و ورود وی به کاخ سفید پارادایم حاکم بر حوزه امنیت ملی و سیاست خارجی آمریکا تغییر یافت و به جای پارادایم یک‌جانبه‌گرایی نظامی متکی بر قدرت سخت به پارادایم چندجانبه‌گرایی ارزش‌محورانه متکی بر قدرت هوشمند؛ شاهد پیاده سازی دکترین جنگ‌های نامتعادل در بستر کاربرد قدرت هوشمند آمریکایی علیه کشورهای هدف بودیم. مهم‌تر از همه اینکه باراک اوباما با تصدیق ضعف در معماری موجود، بر ضرورت تجهیز دوباره و اصلاح نهادهای بین‌المللی برای برخورد با چالش‌های قرن بیست و یکم تأکید داشت (Wright, 2009: 163).

با بررسی اسناد منتشره آمریکا از جمله اسناد راهبرد امنیت ملی، الگویی را که این کشور در دنیا پیگیری می‌کند می‌توان به شکل زیر ترسیم نمود.



شکل (۱) الگویی که آمریکا در جهان پیگیری می‌کند

د) اسناد حاوی سناریوهای جنگ علیه ج.ا.ا.

عناوین، سال انتشار و مراکزی که اسناد مربوط به سناریوهای جنگ علیه ج.ا.ا. ایران را در فضای قابل دسترس اینترنت قرار داده‌اند در جدول زیر ارائه شده است. بررسی سند راهبرد امنیت ملی آمریکا در ۲۰۱۵ نیز مبین این موضوع است که آمریکا راهبرد خود را بر حداقل سطح تماس و درگیری با سایر کشورها منطبق نموده است.

ردیف	سال انتشار	عنوان گزارش	منبع گزارش	مفهوم گزارش
۱	2003	4 2003 Iranian Nuclear Weapons (Part I, II, III)	The Washington Institute	به اعتقاد نویسندگان گزارش، حملهٔ علنی با موشک‌های کروز و هواپیماهایی که توسط خلبانان آمریکایی به مأموریت فرستاده می‌شوند (در قسمتی از گزارش استفاده از هواپیماهای بدون سرنشین توصیه شده است)، باعث شتاب گرفتن برنامه هسته‌ای ایران می‌شود.
۲	2004	Israel's Attack On Osiraq: A Model Future For Preventive strikes	Naval Postgraduate School (USA)	در این گزارش عنوان شده است که حملهٔ پیشگیرانه و برق آسا باعث می‌شود تا موضوع فعالیت‌های هسته‌ای ایران در کانون توجه جوامع بین‌المللی قرار گرفته و همچنین باعث خریدن زمان برای رژیم صهیونیستی شود. سایر انواع حمله‌های نظامی به دلیل آماده بودن ایران (یا هر کشور دیگر) و همچنین نبود اطلاعات دقیق و درست، نتایج خوبی نخواهد داشت.
۳	2005	Getting Ready For A Nuclear-Ready Iran	Strategic Studies Institute (USA)	نویسنده مقاله معتقد است که اروپایی‌ها و آمریکایی‌ها هیچ درک

				درستی از ارزش‌های محوری ایران و حکومت ایران ندارند. تیمرمن در پایان مقاله خود تنها راهبرد خوب برای آمریکا را تغییر رژیم ایران و آن هم نه با گزینه نظامی می‌داند.
۴	2005	Perceptions And Courses Of Actions Toward Iran	Military Review	در این سند عنوان شده است که حتی ایرانیانی که طرفدار نظام جمهوری اسلامی نیستند، نیز نسبت به حمله به ایران بسیار حساس هستند
۵	2005	U.S. Policy Options For Iran And Iranian Political Opposition	Iran Policy Committee (USA)	در این گزارش سازمان منافعین به‌عنوان گروه مسلحی که می‌تواند در مسیر حمله نظامی به ج.ا.ا به کار گرفته شود، مورد بررسی قرار گرفته شده است
۶	2006	Medical Consequences Of A Nuclear Attack On Iran	PSR(Physicians For Social Responsibility) Security Program	در این سند مذاکرات دیپلماتیک به عوض حمله نظامی به رؤسای جمهور آمریکا و کشورهای اروپایی توصیه شده است. همچنین تأکید شده است که حمله اتمی به ایران باید از برنامه این کشورها حذف شده و سعی شود تا ایران به آغوش جامعه جهانی بازگردانده شود.
۷	2006	Iran: Consequences Of A War	Oxford Research Group	در این سناریو چنین نتیجه‌گیری شده است که جنگ با ایران باعث گسترش نا آرامی و جنگ به عراق، سوریه، لبنان و حتی کشورهای خلیج فارس خواهد شد
۸	2006	What Makes Tehran Tick	Iran Policy Committee	بر هم زدن ثبات داخلی ایران و استفاده از گروهک‌ها، به خصوص

			e (USA)	سازمان منافقین مورد تحلیل قرار گرفته شده است.
۹	2006	Iran Workshop	STRATEGIC Assessments OFFICE	در این سند حمله به ایران گزینه غیر مولد شمرده شده است.
۱۰	2007	The Iranian Nuclear Crisis: A Risk Assessment	British American Security Information Council	سمت و سوی کلی گزارش مخالف حمله نظامی به ایران است.
۱۱	2007	Considering A War With Iran: A Discussion Paper On WMD In The Middle East	Centre For International Studies And Diplomacy	شوراندن اقلیت‌های مذهبی و قومی ایران در مناطق مختلف از جمله آذربایجان، بلوچستان، کردستان و خوزستان نیز مورد بررسی قرار گرفته شده است.
۱۲	2007	General You Have The Advantage Of :Time Iran's Response To The US military Option	British American Security Information Council	در این گزارش اشاره شده است که آمریکا به احتمال زیاد تنها به مراکز هسته ای ایران حمله خواهد کرد و حمله همه جانبه و تمام عیار (همانند عراق) مد نظر نیست.
۱۳	2007	Military Intervention In Iran: Why And How	The Institute Of Land Warfare (USA)	نتیجه گیری بحث چنین بوده است که آمریکا حتماً باید با کمک متحدان خود به ایران حمله کند و جنگ یک جانبه گزینه خوبی نیست.
۱۴	2007	Would Air Strikes Work	Oxford Research Group	در این گزارش پیامدهای حمله هوایی به مراکز اتمی ایران بررسی شده و به این نتیجه رسیده است که حمله هوایی باعث از بین رفتن کامل تأسیسات اتمی ایران نشده و باعث خواهد شد تا ایران

				فعالیت‌های خود را سرعت بخشیده و روابط خود را با آژانس انرژی اتمی قطع کند
۱۵	2008	War With Iran: Regional Reactions And Requirements	Middle East Policy Council's	در بخش‌هایی از این سند آمده است که اگر آمریکا قصد حمله به ایران دارد، بایستی قبل از به اجرا گذاشتن طرح حمله، کشورهای اعراب حوزه خلیج فارس را مطلع سازد تا آنها مردم و امکانات خود را برای موارد اضطراری و محتاطانه آماده سازند.
۱۶	2008	Can Military Strikes Destroy Iran's Gas Centrifuge Program? Probably Not	Institute For Science And International Security	به این موضوع پرداخته است که برنامه ساترفیوژ گازی ایران در مناطق مختلف و پراکنده ای دنبال می‌شود و از بین بردن همه این مناطق در یک جنگ کوتاه مدت تقریباً غیر ممکن است.
۱۷	2008	Destroying Security: The Folly Of	Http://www.Destroying .Org Curity	عملیات نظامی علیه ایران به عنوان یک حماقت اساسی فرض شده و به خطر افتادن نیروهای آمریکایی در عراق و افغانستان بزرگترین ریسک موجود فرض شده است. در این سند چنین نتیجه گرفته شده است که حمله به ایران باعث شروع جهاد جهانی علیه آمریکا و به خطر افتادن نیروهای دموکراتیک در ایران خواهد شد.

جدول (۴) اسناد حاوی سناریوهای جنگ علیه ج.ا.ا (مرکز آینده پژوهی دفاعی، ۱۳۸۸: ۲۳-۳۰)

نکته قابل تأمل در یکی از اسناد آن است که در آن، تاریخچه اشغال ایران توسط دشمنان در طول تاریخ مورد مطالعه قرار گرفته و در آن عنوان شده است که ایران به دلیل موقعیت جغرافیایی و

وجود رشته کوه‌های البرز و زاگرس که همانند دیوار بزرگی هستند، قابل تسخیر نیست. کما اینکه امپراطوری عثمانی و حتی اسکندر مقدونی نتوانستند از سمت غرب و شمال غربی ایران را شکست دهند (The Geopolitics of Iran, 2008).

ارتش آمریکا در فوریه ۲۰۱۴ برای نخستین بار «دستورالعمل فعالیت‌های سایبری الکترو مغناطیسی را در قالب یک سند میدانی و عملیاتی در ۹۶ صفحه تدوین و به‌عنوان دستورالعمل شماره ۳-۳۸ منتشر نمود. اساس فکری تدوین محتوا و ساختارهای مدیریتی در راهبری سند مذکور منطبق سازی و بهینه کردن طرز کار ارتش در هدایت عملیاتی و زمینی یکپارچه متناسب با شرایط نظامی محیط سایبری به‌عنوان عرصه پنجم محیط عملیاتی است. در این میان بدون شک مقابله با تهدیدهای روسیه، چین و ج.ا.ایران در جنگ سایبری نیز که بدون حضور نیروهای مسلح اما علیه اماکن و تأسیسات حساس دفاعی (موشکی، دفاع ضد هوایی، سامانه‌های رادار، تجهیزات، سامانه پشتیبانی و...) هستند جایگاهی مهم دارند. از نکات قابل توجه، عدم اشاره به‌جنگ در عنوان این سند می‌باشد که نشان می‌دهد ارتش آمریکا از برجسته کردن رویکرد سخت افزاری برای افکار عمومی پرهیز دارد و رهیافت نرم‌افزاری و اقناعی در ارتش آمریکا مد نظر است و این از ویژگی‌های جنگ‌های پسانوگرا (از جمله جنگ‌نرم) می‌باشد (معاونت فرهنگی و تبلیغات دفاعی ستاد کل نیروهای مسلح، ۱۳۹۳).

همچنین در ۱۳ سپتامبر ۲۰۱۲، سندی با عنوان «ارزیابی فواید و هزینه‌های حمله نظامی علیه ایران» منتشر شد که توسط بیش از ۳۰ کارشناس نظامی آمریکا در سطوح عالی دولتی، نظامی و دیپلماتیک به امضا رسیده بود. در میان اسامی امضا کنندگان این سند اسامی معروفی از جمله وزیر دفاع سابق آمریکا، یعنی «چاک هگل»، به‌چشم می‌خورد. در این سند تأکید گردیده است که هیچ حمله‌ای نمی‌تواند دانش اتمی داخلی ایران را از بین ببرد. اگر به ایران حمله شود، این کشور از پیمان منع گسترش^۱ خارج خواهد شد و به سراغ تولید سلاح اتمی خواهد رفت. این کار هدف سیاست‌های اجبار کننده آمریکا را از بین خواهد برد. اما از این مهم‌تر، حمله به تأسیسات اتمی ایران جنگی همه جانبه به‌راه خواهد انداخت، حتی اگر آمریکا قصد نداشته باشد به آن وارد شود. ایران تا حد توان پاسخ سختی خواهد داد. (www.irannandiplomacy.com).

¹ Non-Proliferation Treaty (NPT)

ه) رهنامه‌های نظامی و عملیاتی امریکا

- در جمع‌بندی بررسی و تحلیل اسناد منتشره رسمی، مهم‌ترین رهنامه‌های نظامی آمریکا در مواجهه با ج.ا.ایران در منطقه غرب آسیا شامل موارد زیر می‌باشد:
- توجه و تقویت نیروهای واکنش سریع در منطقه به منظور اجرای طرح‌های تهاجمی علیه اهداف موردنظر؛
 - اجرای عملیات هوایی و موشکی سریع، قاطع و شکننده علیه مراکز ثقل حریف به منظور ساقط کردن توان رزمی کشور مخالف در منطقه؛
 - اجرای عملیات بازدارنده علیه مراکز حساس نظیر حمله به راکتورهای اتمی؛
 - افزایش امنیت نظامی به منظور دفاع از رژیم صهیونیستی و هم‌پیمانان خود در منطقه؛
 - حمله نظامی همه جانبه علیه ج.ا.ایران در صورت مساعد بودن شرایط؛
 - حمایت سیاسی، نظامی از تهدیدات احتمالی نیروهای نظامی کشورهای متخاصم علیه ج.ا.ایران؛
- بر اساس رهنامه نظامی که مورد اشاره قرار گرفت، پنتاگون مهم‌ترین رهنامه‌های عملیاتی را در مواجهه با ج.ا.ایران به شرح زیر بیان نموده است:
- اجتناب از رزم نزدیک و تمرکز بر نبرد از راه دور؛
 - عمق بخشیدن به میدان نبرد با بهره‌گیری از تحرک بالا و توسعه اطلاعاتی؛
 - اتکا بر حملات قاطع، سریع و پرحجم هوایی و موشکی با تکیه بر اصل اطمینان از پیروزی قطعی؛
 - محروم سازی کشور از مسیرهای پشتیبانی بین‌المللی دریایی و هوایی و در حد امکان زمینی؛
 - عملیات روانی سنگین برای هم‌راستا سازی مردم و ایجاد ناامیدی و رعب در جامعه و نیروهای مسلح؛
 - اختلال در سیستم‌های فرماندهی و کنترل ارتباطات؛
 - محاصره در آب‌های دور دست و نزدیک در خلیج فارس به صورت مقطعی و محدود (مطالعات گروهی دانشجویان دفاع ملی؛ ۱۰۲: ۱۳۸۷، ۱۰۱-۱۰۲)؛
- **راهبرد عملیاتی آمریکا:** در عملیات‌هایی که در سال‌های اخیر توسط ارتش آمریکا اجرا شد اصول مشروحه زیر به‌عنوان مبنا و راهبرد عملیاتی ارتش آمریکا معرفی گردید.
- **عملیات سریع و قاطع:** آمریکا با تکیه بر فناوری‌های برتر و بهره‌گیری از تجهیزات پیشرفته، در ارتش خود برای تأمین سایر اهداف به‌خصوص کاهش تلفات و جلوگیری از مشکلات

داخلی که ممکن است با طولانی شدن جنگ پیش آید، در طرح‌ریزی‌های خود عملیات سریع و قاطع را مبنا قرار می‌دهد.

- **اجتناب از جنگ نزدیک:** دکترین نظامی آمریکا بر مبنای عملیات هوا زمین^۱ و عملیات بدون تماس برای نیروهای مانوری است. براین اساس ارتش آمریکا با بهره‌مندی از قابلیت‌های پیشرفته، تلاش در کاهش سطح درگیری روبه‌رو دارد.

- **جنگ کوتاه مدت:** آمریکا با تکیه بر فناوری برتر و تکیه بر تجهیزات پیشرفته در ارتش خود برای تأمین سایر اهداف به‌خصوص کاهش تلفات و جلوگیری از مشکلات داخلی که ممکن است با طولانی شدن جنگ پیش آید، همواره در طرح‌ریزی‌های نظامی خود تکیه بر جنگ کوتاه مدت دارد (همان: ۱۱۳-۱۱۰).

تجزیه و تحلیل آماری

داده‌های گردآوری شده با استفاده از روش علت و معلولی ایشیکاوا (استخوان ماهی) ترسیم و با نرم افزار SPSS در قالب روش آمار استنباطی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است که در آمار تحلیلی از آزمون فریدمن استفاده شده است. لازم به ذکر است که ابتدا با بهره‌گیری از روش ایشیکاوا نوع تهدید (جنگ) علیه ایران مشخص با آزمون فریدمن رتبه‌بندی و با تلفیق نظر خبرگان و اسناد منتشر شده با روش تحلیلی تفسیری به سؤالات مطرح شده پاسخ داده شده است.

سؤال اصلی: ماهیت، نوع و اولویت تهدید نظامی آمریکا علیه ج.ا.ایران طی

دهه آینده چیست؟

برای پاسخ به این پرسش، ابتدا باید نقاط ضعف و چالش‌های پیش روی آمریکا برای انتخاب گزینه جنگ نظامی مورد تحلیل و بررسی قرار گیرد. در این راستا و بر اساس برآوردها و بررسی وضعیت جغرافیایی محیط احتمالی جنگ بر اساس بررسی اسناد رسمی منتشر شده و همچنین تجمیع نظرات خبرگی حاصل از پرسشنامه توزیعی، نقاط ضعف زیر را برای ارتش آمریکا رقم می‌زند:

¹ alr- land battle

۱. نداشتن مرز مشترک با ج.ا.ایران و در نتیجه نیاز به همکاری کشورهای همجوار ج.ا.ایران؛
 ۲. متعاقب بند فوق، وابستگی شدید نیروی هوایی به پایگاه‌های کشورهای همسایه ایران و ناوهای هواپیمابر؛
 ۳. ضعف جدی ارتش آمریکا در برابر عملیات نامنظم و شهادت طلبانه در خلیج فارس؛
 ۴. تضعیف در صورت فرسایشی شدن جنگ به علت مسافت طولانی و تأخیر در تأمین و پشتیبانی؛
 ۵. عدم پیش‌بینی سناریوهای احتمالی مقابله ج.ا.ایران در منطقه و داخل آمریکا با بهره‌گیری از گروه‌های نظامی طرفدار ج.ا.ایران؛
 ۶. عدم پیش‌بینی عکس‌العمل‌های احتمالی ملت‌های منطقه (به خصوص کشورهای درگیر در بیداری اسلامی) در مواجهه با نیروهای نظامی آمریکا که در این کشورها پایگاه‌های نظامی دارند. با توجه به تلفات جانی سربازان آمریکایی در منطقه غرب آسیا و همچنین هزینه غیرقابل باور چند صد میلیارد دلاری بر جای مانده، بیکاری در حوزه داخلی، تحولات غرب آسیا به دنبال بیداری اسلامی، روابط آمریکا با روسیه و چین، برنامه هسته‌ای ایران، آینده نامشخص افغانستان و بلند پروازی‌های رژیم صهیونیستی در حوزه خارجی از جمله چالش‌هایی است که آمریکا در آینده با آن‌ها روبه‌رو خواهد بود و چالش‌های پیش گفته، تبعات زیر را برای آمریکا در بر دارد:
- (الف) هزینه‌های بالای مترتب نظامی در صورت هرگونه تهاجم به هر کشور دیگری از جمله ایران؛
 - (ب) تخریب پرستیژ دموکراسی آمریکا در جهان که هم اکنون از جایگاه مناسبی در منطقه غرب آسیا به خصوص و سایر نقاط جهان به طور اعم برخوردار نمی‌باشد؛
 - (ج) احساس دریافت ضربات سهمگین از سوی ج.ا.ایران به واسطه در اختیار داشتن قدرت نظامی غیر قابل پیش‌بینی برای آمریکا؛
 - (د) احتمال هرگونه عکس‌العمل (نظامی یا غیر نظامی) ایرانی‌های داخل آمریکا؛
- با این وجود و دلایل ذکر شده فوق احتمال در دو بخش نقاط ضعف و چالش‌های پیش رو، هرگونه جنگ مستقیم یک‌طرفه ممکن به نظر نمی‌رسد. لذا بهره‌گیری از سایر گزینه‌های نظامی که تبعات فوق را به همراه نداشته باشد، محتمل است. این احتمالات بر اساس نظرات خبرگی و اولویت داده شده توسط آنان، به صورت زیر محتمل دانسته شده است:

الف) استفاده از ایده جنگ محدود

- حمله محدود به مراکز هسته‌ای؛
- حمله محدود به تنگه هرمز؛
- حمله محدود به مراکز موشکی؛
- حمله محدود به سکوه‌های نفتی، مراکز تولید انرژی و پالایشگاه‌های مهم کشور؛
- حمله محدود به جزایر سه گانه ایرانی خلیج فارس؛
- حمله محدود به نیروگاه اتمی؛

ب) استفاده از ایده جنگ نیابتی

این احتمال مبتنی بر حمله از طریق گروه‌های تروریستی تکفیری در غرب و شرق و ایجاد ناامنی در داخل کشور و اجبار ایران به پذیرش امتیازات غرب از جمله توقف کامل فعالیت هسته‌ای و حقوق بشر و لغو حمایت از مقاومت را شامل می‌شود.

ج) ایجاد ناامنی‌های داخلی منتج به براندازی

یکی از الگوهایی که آمریکا در مقابله با ایران و در راستای یک‌جانبه‌گرایی استراتژیک در دستور کار خود دارد مبتنی بر اقدامات معطوف به براندازی از طریق ابزارهای غیرنظامی می‌باشد. براندازی را می‌توان همچنان به‌عنوان سیاست آمریکا علیه ساختار سیاسی ایران دانست. آنچه از رویکرد جدید آمریکا می‌توان مستفاد کرد این است که این دولت به‌جای تأکید بر تهدیدات سخت افزاری و دشمن‌هراسی، حوزه اصلی تهدید را به قلمرو امور اقتصادی منتقل و در عین اشاره به دولت‌های غیر دموکراتیک به‌عنوان خطری عمده، به مؤلفه‌های داخلی هم نگاه ویژه‌ای دارد. این موضوع در سند منتشره ۲۰۱۵ آمریکا مورد تأکید قرار گرفته است. تهدیدات ناشی از یک‌جانبه‌گرایی آمریکا صرفاً ماهیت نظامی ندارد. شواهد نشان می‌دهد که آمریکایی‌ها در محیط‌های جغرافیایی و سیاسی مختلف از الگوهای متفاوتی استفاده کرده‌اند.

سؤال دوم: اهداف آمریکایی‌ها در امکان تهدید نظامی علیه ج.ا.ایران مترتب

بر چه حوزه‌ها و کسب چه دستاوردهایی می‌باشد؟

باتوجه به اطلاعات به‌دست آمده از بررسی اسناد منشره و تجمیع نظرات خبرگی از پرسشنامه توزیعی، آمریکا در منطقه هدف ارضی را دنبال نمی‌کند؛ چرا که در بستر حاکمیت ساختار اقتصاد سرمایه‌داری و در عصر جهانی شدن مرزها دیگر محدودیت برای حرکت سرمایه، کارگر، تکنولوژی و کالا را به‌وجود نمی‌آورند. پس نیازی به تصرف نیست.

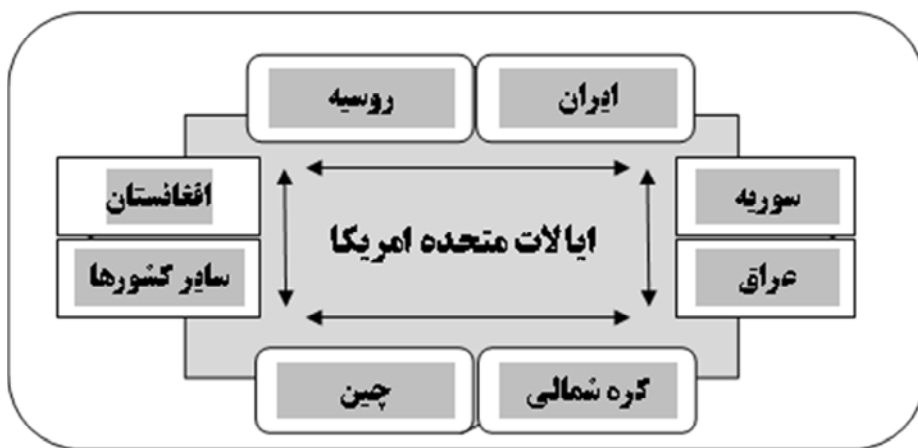
آنچه آمریکا در غرب آسیا در طلب آن است، همانا بسط و توسعه در قلمرو ارزش‌ها و نهادها است. این کشور خواهان مشروعیت بخشیدن به‌هنجارهای لیبرال و اعتبار بخشیدن به نهادها و ساختارهای مبتنی بر ارزش‌های لیبرالیسم اقتصادی، لیبرالیسم سیاسی و لیبرالیسم اجتماعی است. این فرآیندی است که به‌ضرورت نیازمند زمان زیادی است و به‌همین روی باید انتظار داشت حضور آمریکا در این منطقه طولانی باشد. از سوی دیگر چون آمریکا در صدد دگرگونی هویتی در منطقه است مواجه با مقاومت‌های فراوان می‌شود. این بدان معناست که بی‌ثباتی در قلمروهای اجتماعی، سیاسی و فرهنگی نماد همیشه حاضر در منطقه طی دهه‌ها باشد.

همچنین در حال حاضر تهدیدات از حوزه نظامی به‌سایر حوزه‌ها پوست‌اندازی کرده است و تهدیدات در دنیای امروز با شکلی جدید و قالبی متفاوت در حال شکل‌گیری است که این تهدیدات از حوزه نظامی به حوزه‌های اقتصادی، سایبری، فرهنگی و تهدیدات جنگ نرم در حال چرخش است. از سویی دیگر آمریکا با تکیه بر فناوری برتر و بهره‌گیری از تجهیزات پیشرفته در ارتش خود برای تأمین سایر اهداف به‌خصوص کاهش تلفات و جلوگیری از مشکلات داخلی که ممکن است با طولانی شدن جنگ پیش آید و یا اینکه نتیجه موردنظر تغییر کند، همواره در طرح‌ریزی‌های نظامی خود تکیه بر جنگ کوتاه مدت دارد.

به‌نظر می‌رسد مجموعه‌ای از چالش‌های داخلی پیش روی آمریکا شامل بدهی‌های عمومی این کشور، دیدگاه مردم آمریکا به وضعیت اقتصادی، کاهش امنیت اجتماعی و هنجارهای ناشی از آن و عدم نقش آفرینی فعلی کارخانجات بزرگ آمریکا در اشتغال زایی جامعه از یک‌سو و چالش‌های خارجی پیش روی این کشور در سه منطقه یورو به‌عنوان یکی از رقبای جدی و با یک پایان غیرقابل تصور برای آن، منطقه غرب آسیا با ویژگی ناپایداری و تحولات بی‌شمار و غیرقابل

پیش‌بینی و منطقه آسیا- پاسیفیک که با رشد ملی‌گرایی و تنش سیاسی و رشد غیرمعمول اقتصادی کشورهای منطقه که نقش‌های متعددی را برای سیاست خارجی آمریکا تعیین می‌کند، گزینه درگیری جنگ تمام عیار نظامی آمریکا با جمهوری اسلامی ایران را اساساً منتفی می‌نماید.

جایگاه ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک منطقه غرب آسیا در تأمین انرژی و تقویت بازیگران منطقه‌ای همراه با ظهور آرمان‌گرایی اسلامی در سال‌های اخیر موجب افول قدرت برتری طلبانه ایالات متحده با بیشترین هزینه و کمترین فایده در سیاست خارجی دولت‌های جمهوری خواه و دموکرات گردیده است. مسئله عراق و سوریه پس از افغانستان نیز از جمله چالش‌های جدی برای سیاست خارجی آمریکا می‌باشند. از سوی دیگر، چین، روسیه و ایران نیز از اولویت‌های راهبردی دائمی برای آمریکا محسوب می‌گردند. در نهایت اینکه در حال حاضر، کره شمالی با آزمایش‌های موشکی و تهدیدات علنی، یکی از چالش‌های اساسی برای آمریکا بوده که ترامپ از حل و فصل آن، به‌عنوان حل بحران نام برده است. در یک جمع‌بندی می‌توان کشورهای اصلی درگیر در مشکلات خارجی ایالات متحده را به‌صورت زیر ترسیم نمود.



شکل (۲) نمای کشورهای درگیر در مشکلات خارجی آمریکا

پاسخ سؤال فرعی اول: آیا تهدید نظامی امریکا علیه ج.ا.ایران در دهه آینده

قطعی است؟

در تجزیه و تحلیل و پاسخ جامعه نمونه، بیش از ۷۰ درصد پاسخگویان، تهدید نظامی علیه جمهوری اسلامی در دهه آینده را غیرقطعی دانسته‌اند.

پاسخ سؤال فرعی دوم: در صورتی که تهدید علیه ج.ا.ایران قطعی باشد نوع

آن چگونه خواهد بود؟

در تجزیه و تحلیل و پاسخ جامعه مورد بررسی، بیش از ۳۰ درصد از نمونه، گزینه جنگ نیابتی را انتخاب نموده‌اند.

پاسخ سؤال فرعی سوم: بهترین راه‌کار مقابله با تهدید احتمالی امریکا چیست؟

همان طور که نتایج تجزیه و تحلیل نشان می‌دهد تعداد ۲۰ راه‌کار انتخاب و از بین آنها با آزمون فریدمن تعداد ۱۲ راه‌کار به ترتیب زیر انتخاب شده است. بهترین راه‌کار مقابله با حمله محدود امریکا علیه ایران در دهه آینده، «اتحاد، انسجام و یکپارچگی ملت» می‌باشد. سایر راه‌کارهای انتخابی بر اساس ترتیب آزمون فریدمن به شرح ذیل می‌باشند:

۱. تبعیت پذیری واقعی از ولایت فقیه؛
۲. ارتقای نیروی بسیج مقاومت و مردمی؛
۳. دستیابی به فناوری نوین نظامی درحوزه جنگال؛
۴. ارتقای قدرت موشکی؛
۵. آگاه سازی آحاد ملت به ماهیت امپریالیستی امریکا؛
۶. بهره برداری از عملیات روانی گسترده؛
۷. آگاه سازی نخبگان به ماهیت امپریالیستی امریکا؛
۸. ارتقای نیروی دریایی؛
۹. ارتقای نیروی هوایی؛

۱۰. تشکیل گروه‌های استشهادهای بیرونی؛

۱۱. بهره برداری روانی، مالی و نظامی از ایرانیان مقیم در آمریکا.

نتیجه گیری

با عنایت به سؤال اصلی این تحقیق سعی گردید با روش‌های مطرح شده در تحقیق به آنها پاسخ داده شود. بنابراین به‌طور خلاصه می‌توان نتایج زیر را احصا نمود که در آینده:

۱. آمریکا به دلایل هزینه‌های مترتب مادی و مشکلات داخلی و حفظ جایگاه پدرخوانده دموکراسی جهان، به دنبال گشایش جبهه جدید نظامی گسترده در منطقه غرب آسیا نمی‌باشد؛

۲. خسارات محتمل بر آمریکا از سوی ج.ا.ایران در هرگونه جنگ احتمالی سراسری و گسترده، آن را از هرگونه ارتکاب اشتباه برحذر خواهد داشت که رایزنی‌های آمریکا برای کاهش تنش در منطقه حاکی از این امر است.

۳. ج.ا.ایران، قابلیت‌های فراوان و کشف نشده‌ای در منطقه دارد که امکان به‌کارگیری آنها در برابر هجوم احتمالی آمریکا، این کشور را در لاک دفاعی قرار خواهد داد و جایگاه پدرخواندگی دموکراسی جهان را از آنها خواهد گرفت.

۴. بهترین گزینه از نظر منطقی برای آمریکا، جایگزینی جنگ‌های نیابتی و درگیر کردن جبهه‌های مسلمان - مسلمان با بهره برداری از گروه‌های تکفیری در مرزهای غربی و شرقی و همچنین ترغیب اقوام برای ایجاد ناامنی در ایران خواهد بود. هم اکنون با راه اندازی داعش به بخشی از اهداف خود دست یافته است و در آینده نیز به دنبال نفوذ در جریان‌های سیاسی موافق خود از کشور ج.ا.ایران خواهد بود.

۵. به دنبال جنگ‌های به‌راه افتاده علیه کشورهای مسلمان متحد ایران در منطقه، از تمام توان خود برای جلوگیری از اتحاد کشورهای مسلمان (تشدید تنش بین گروه‌های مسلمان شیعه و سنی) استفاده خواهد نمود.

پیشنهادات

۱. دستاوردهای این پژوهش به‌عنوان محور گفتگو در هیأت‌های اندیشه‌ورز راهبردی نیروهای مسلح به‌بحث گذاشته شود و مراکز علمی- تحقیقاتی نیروهای مسلح با رویکرد آینده پژوهی، رهنامه‌ها و طرح‌های نظامی، راهبردی و عملیاتی آمریکا را رصد و متناسب با آن طرح‌های مقابله‌ای به‌نیروهای مسلح پیشنهاد بدهند.
۲. دستور کار لازم برای تقویت انسجام و یکپارچگی درونی (ملی) با رویکرد حس گلاویزی با دشمن با مشارکت شورای عالی امنیت ملی، نیروهای مسلح و سازمان صدا و سیما تهیه گردد.
۳. به‌منظور پیشگیری و جلوگیری از نفوذ دشمن از طریق مرزهای شرقی و جنوب شرقی، ستاد کل ن.م نسبت به تقویت بسیج مردمی- بومی منطقه اقدام و طرح‌های مقابله‌ای بومی را پیشنهاد دهد.
۴. بهره برداری از فرصت نخبگان، علما، خبرگان، عشایر، قبیله‌ها، احزاب و گروه‌های ذی‌نفوذ دنیای اسلام برای تقریب مذاهب، اتحاد و یکپارچگی اسلامی با هدف جلوگیری از بهره برداری آمریکا از اختلافات شیعه - سنی و برپایی جنگ‌های نیابتی به‌عمل آید.
۵. مسأله‌سازی برای دشمن با انتقال زمین بازی دشمن در محیط‌های جغرافیایی متنوع و فضاهای رقابتی قابل مدیریت توسط نیروهای مسلح عملیاتی گردد.

منابع و مأخذ

منابع فارسی

۱. آقابخشی، علی و مینو افشاری‌راد (۱۳۷۴)، فرهنگ علوم سیاسی، تهران: مرکز اطلاعات و مدارک علمی ایران.
۲. استراتژی امنیت ملی امریکا در قرن ۲۱ (۱۳۸۳)، مترجمان: جلال ده‌مشگی، بابک فرهنگ، ابوالقاسم راه‌چمنی، چاپ چهارم، مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران.
۳. افتخاری، اصغر (۱۳۸۵)، کالبد شکافی تهدید، تهران: دانشگاه امام حسین (ع)، دانشکده و پژوهشکده فرماندهی و ستاد و علوم دفاعی، مرکز مطالعات دفاعی و امنیت ملی.
۴. افشار، حسام (۱۳۸۹)، ویژگی جنگ‌های آینده و تغییر راهبرد نظامی امریکا در قرن ۲۱، مرکز اسناد انقلاب اسلامی ایران، قابل دسترسی در: www.irdc.ir
۵. ایکنبری، جان. جی، (۱۳۸۲)، تنها ابرقدرت: هژمونی آمریکا در قرن ۲۱، ترجمه عظیم فضلی‌پور، تهران: انتشارات ابرار معاصر تهران.
۶. بررسی سناریوهای جنگ آینده با تأکید بر فناوریهای دفاعی (۱۳۸۸)، مرکز آینده پژوهی علوم و فناوری دفاعی مؤسسه آموزشی و تحقیقاتی صنایع دفاعی.
۷. دستورالعمل جنگ الکترو مغناطیسی ارتش امریکا در آینده (۱۳۹۳)، ترجمه معاونت فرهنگی و تبلیغات دفاعی ستاد کل نیروهای مسلح.
۸. ره پیک، سیامک (۱۳۸۷)، تهدیدات قدرت ملی (شاخص‌ها و ابعاد)، تهران: انتشارات دانشگاه عالی دفاع ملی.
۹. سلامی، حسین (۱۳۸۷)، گزارش بررسی تطبیقی جنگ‌های آینده در نگاه قدرت‌های بزرگ نظامی دنیا، مجله نگرش راهبردی، شماره ۸۹.
۱۰. صفوی، سید یحیی (۱۳۹۲/۰۸/۰۷)، باید تهدیدات احتمالی را رصد و در جهت مقابله سناریوهای مختلف تدوین کرد، قابل دسترسی در: <http://www.farsnews.com>

۱۱. عبدالله خانی، علی (۱۳۸۹)، نظریه‌های امنیت، تهران: انتشارات مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران.
۱۲. عبدالله خانی، علی (۱۳۸۵)، رویکردها و طرح‌های امریکایی درباره ایران، تهران: انتشارات مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران.
۱۳. قاسمی، مهدی (۱۳۹۰)، چالش‌های امریکا در دوران گذار. مؤسسه مطالعات امریکا.
۱۴. گروه مطالعاتی دانشکده امنیت ملی، (۱۳۸۸)، تهدید نرم و راهبردهای مقابله، تهران: انتشارات دانشگاه عالی دفاع ملی.
۱۵. گوردان، جیمز و دوپیک سولیون (۱۳۷۳)، جنگ زمینی در قرن ۲۱، ترجمه گروه روابط بین‌الملل، مجله سیاست دفاعی، شماره ۳-۴.
۱۶. محمود نژاد، محمد (۱۳۹۰)، شناخت تهدیدات، تهران: انتشارات دانشگاه عالی دفاع ملی.
۱۷. مرادیان، محسن، (۱۳۹۰)، مبانی نظری امنیت، تهران: دانشکده فارابی.
۱۸. مرادیان، محسن (۱۳۸۸)، تهدید و امنیت (تعاریف و مفاهیم)، تهران: مرکز آموزشی و پژوهشی شهید صیاد شیرازی.
۱۹. مطالعات گروهی دانشجویان دانشگاه عالی دفاع ملی - دوره پنجم علوم دفاعی راهبردی، (۱۳۸۶)، محیط‌بندی نظامی کشور با توجه به تهدید نظامی آمریکا و رویکرد دفاعی کشور، تهران: دانشگاه عالی دفاع ملی.
۲۰. مطالعات گروهی دانشجویان دانشگاه عالی دفاع ملی دوره پانزدهم دفاع ملی، (۱۳۸۷)، تدوین راهبرد ارتقای توان رزمی آجا با رویکرد تهدیدات ناهم‌تراز، تهران: دانشگاه عالی دفاع ملی.
۲۱. نوروزی، محمد تقی، (۱۳۸۵)، فرهنگ دفاعی - امنیتی، تهران: انتشارات سنا.

منابع انگلیسی

1. Buzan, Barry; Waever, Ole; Wilde, Jaap. "Security: A New Framework for Analysis". Boulder, Colo, London: Lynne Rienner, 1998.

2. Emanuel Alder, (1997), "Imageined (Security) Communities: Cognitive Vegions in International Relation", Millennium, Vol. 26, No. 2
3. The Geopolitics of IRAN: Holding the Center of A Mountain Fortress, STRATFOR, 2008. available at: www.iraniandiplomacy.
4. National Security Strategy of USA, February 2016 -2015, The White House, Washington. available at: <https://www.whitehouse>
5. www.khamenei.ir